

چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۹۹ ● ۲۳ ذی‌القعدة ۱۴۴۱ ● ۱۵ جولای ۲۰۲۰

اخبار

آگوری‌ها؛ از آدم‌خواری تا پیشگویی با استفاده از مردگان

آگوری‌ها، به گروهی از پیروان افراطی شیوا گفته می‌شود که معتقدند تمامی ویژگی‌ها مانند علم و قدرت به طور مطلق در شیوا وجود دارد. این گروه، روح هر انسانی را شیوا و دارای خصائص مطلق می‌دانند که به وسیله هشت خصلت نامناسب (آستمَاهاپاسا (astmahapasa) مانند نیروی جنسی، خشم، طمع، وسواس، ترس، شرم و نفرت به بند کشیده شده است. این گروه تمامی تلاششان این است که به وسیله مبارزه با این هشت خصلت، روح شیوایی را آزاد کرده و به ویژگی‌های نامنتهی دست پیدا کنند؛ به طور مثال سوزاندن را راه مبارزه با ترس، آزادی نیروی جنسی را راه مبارزه با نیروی جنسی، لخت بودن را راه مبارزه با شرم می‌دانند.

این گروه اگر چه شباهت‌هایی به مرتاضان کاپالکا (kapalika) دارند که در قرون وسطی در کشمیر زندگی می‌کردند اما به طور قطعی معلوم نیست از وارثان آنان به شمار آیند. این گروه در کنار محل سوزاندن مردگان زندگی کرده و استخوان آنان را محل استراحت خود می‌دانند و مجسمه مردگان سوخته شده را طرفی برای نوشیدن و باقی مانده اجساد را به عنوان غذا مصرف می‌کنند و بر این باورند که این کار به آنان نیرو خواهد بخشید. شاید چنین باوری از این جهت باشد که این جسم حامل روح شیوایی بوده است. این گروه علاوه بر استفاده از باقی مانده اجساد، الکل و حشیش نیز مصرف کرده و حتی به نوشیدن ادرار خود و جانوران نیز مبادرت می‌ورزند. این گروه به طور معمول خود را با خاکستر مردگان می‌پوشاند و معتقدند که این عمل آنان را جوان نگاه می‌دارد. فرقه آگوری رب النوع کالی را تقدیس می‌کنند.

جمع کثیری از هندوان با این فرقه مخالف بوده اما برخی نیز برای آنان مقام شفا دهبی افراد مریض را قائل هستند و در توجیه این مطلب عنوان می‌کنند: این افراد توانایی انتقال آلودگی و مریضی را از این افراد دارند. افراد قبیله آگوری در هند مردگان خود را می‌خورند و معتقدند که این کار، پیری را از آنها دور می‌کند و به آنان نیروی فوق العاده می‌بخشد. افراد معتقد به این باور را می‌توان در بنارس به آسانی از روی موهای بلند و گوریده‌شان و همچنین لباس‌های آغشته به خاکستر آنها تشخیص داد. این افراد از گوشت مردگان سوزانده شده تغذیه می‌کنند و به گفته خودشان با آنها ارتباط برقرار می‌کنند. آنها معتقدند این کار موجب می‌شود تا به نشان نیروی ماورای طبیعی اعطا کنند. آنها همچنین برای دانش خود از هنر سحر و جادو استفاده می‌کنند. بسیاری از مردم بر این باورند که آنها صاحب قدرت سحر و جادو و همچنین ارتباط با ارواح هستند. به همین خاطر مورد احترام قرار می‌گیرند.

عامل ارتباط مردم با این گروه، بیشتر بخاطر پیشگویی‌هایی است که آنان انجام می‌دهند. پیروان و اقوام این فرقه با ظاهرهای متفاوت از سایر پیروان مثل: هندوها، سیک‌ها، جن‌ها، مسلمانان، و غیره قابل شناسایی هستند. این راهبان از ترکیبی از ماری‌جوانا، الکل و مدیتیشن (مدیتیشن به معنای متمرکز کردن ذهن است. این تمرکز می‌تواند بر روی یک صدا، عبارت یا دعا، شی، تصویر، آگاهی از خویشتن، نحوه تنفس، فرانس دینی و… صورت گیرد. هدف از این کار آگاهی از لحظه حال، رسیدن به آرامش، و کاهش استرس است. مدیتیشن موجب ارتقای شخصیت و رشد روحانی و معنوی می‌شود.) برای رسیدن به حالت تعلیق خود استفاده می‌کنند تا بتوانند خود را نزدیکتر به شیوا، یکی از رب النوع هندو، نزدیک کنند. آنها رسوم عجیبی از جمله خوردن گوشت، مدفوع و ادرار انسان دارند. خیلی مرموزند و هندوی‌ها به شدت از آنها می‌ترسند. هندوی‌ها می‌گویند که آن راهبان می‌توانند آینده را پیش‌بینی کنند، بر روی آب راه بروند و کارهای اهریمنی انجام دهند. اعضای قبیله آگوری همچنین فکر می‌کنند که اگر خود را بدون هیچ بینش‌هایی در معرض مسائلی که دیگران تابو و آزار دهنده می‌دانند قرار دهند، می‌توانند در مسیر رسیدن به روشنگری و روشنگری قدم بردارند.

از رسوم طایفه آگوری می‌توان به جویدن سر حیوانات زنده، رنگ زدن بدنشان بسویله خاکستر اجساد آتش زده شده و همچنین انجام مدیتیشن در بالای اجساد اشاره کرد. آنها در محل‌های مرده سوزانی زندگی می‌کنند، جایی که گفته می‌شود رب النوع های «رد شیوا» و «کالیمَا» در آنجا زندگی می‌کنند. تغذیه‌ی آن‌ها از بقایای چیزهایی است که دیگران در آنجا پرتاب می‌کنند.

در واقع مرگ و فرسایش این راهبان را احاطه کرده است. طایفه آگوری از متعلقات دنیوی اجتناب می‌کنند و اغلب برهنه راه می‌روند. منطق آنها نیز دوری از زندگی مادی و زمینی است و آنها تمایل دارند بدن را در خالص‌ترین شکلش به نمایش بگذارند. آگوری‌ها پیشینه‌ی خود را در قرن ۱۷ میلادی و شخصی به نام «بابا کینارام» جست‌وجو می‌کنند. گفته می‌شود که او ۱۷۰ سال عمر کرد.

نکته‌ای که خوب است در مورد شهرهای مقدس هند بخصوص «بنارس» بیان شود این است که این گونه شهرها محل خوبی برای گردشگری نیست. با توجه به باور هندوان، کسانی که به این شهرها می‌آیند با هدف دل‌کنند از دنیا و ناپاکی‌ها و توجهات معنوی به این سفر آمده‌اند لذا امکانات رفاهی، در حداقل قرار دارد و بسیاری از اعمالی که در آن جا انجام می‌شود برای یک غیر هندو غیر قابل درک و قابل غیر قابل باور باشد.

انسان مدرن در سلطه‌ی ساختارها و نظام‌های کلان گرفتار، تأثیرپذیر و محکوم به انفعال است. افراد اندکی می‌توانند ساختارهای سلب جامعه را به انقیاد خویش درآورده و آن‌ها را دست خوش تغییرات کنند. در حقیقت ساختارهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، رسانه‌ها و فضای مجازی انسان را زنجیر و احاطه کرده‌اند. این توصیف کوتاه، وجه اشتراک افراد جامعه‌ی مدرن و از قضا عامل یکسان‌شدگی آن‌هاست؛ همگی از آن جهت که معمولی، روزمره و «عارضی» هستیم، به هم شبیه‌ایم. و در نتیجه، ارزش‌های فردگرایانه تنها حول قضیه‌ی تمایز و تفاوت صورت‌بندی می‌شوند. احساس «هویت» و فردیت نیز، دقیقاً از آنجایی شکل می‌گیرد که انسان می‌خواهد چیزی غیر از دیگران باشد و به عبارتی، تنها راه خلاصی از ننگ «شبیه دیگران بودن» تلاش برای «شبیه دیگران نبودن» است.

اما تفاوت به تنهایی نمی‌تواند نتیجه‌بخش باشد. جامعه مدرن را می‌توان با سه مشخصه‌ی «تفاوت»، «جلب توجه» و «منفعت‌طلبی» نشان‌گذاری کرد؛ به اولی سازمان اخلاقی، انسان موفق کسی است که در این تمایز و خارق‌العاده باشد، از سرزمین انسان‌های یکنواخت و تکراری کوچ کرده و در طرفی دیگر بایستد، ثانیاً بتواند با این تفاوت و تمایز، توجه و تشویق دیگران را برانگیزاند و ثالثاً قادر باشد از این طریق خلق ثروت کند. از این رو به طرز شگفت‌آوری، ما با استحاله، ابتزال و تحریف مفهوم «استعداد»، معاصر و هم دوران شده‌ایم؛ دوران «عصر جدیدها» و «عجوبه ها»، دوران سلطنت «رکوردهای گینسی» و بیشترین و عجیب‌ترین‌ها و دوران «جذب فالوور به هر قیمتی».

استعدادهای زندگی مدرن، لزوماً ناظر به نیازهای اصیل جامعه و کمال فردی و جمعی انسان تعریف نمی‌شوند. رسانه کسانی را که بیش از دیگران خیره‌کننده و محیرالعقول باشند، مستعد می‌کند. پیرمردی که با ریش‌های بلندش، اجسام سنگین را بلند می‌کند، مردی که یک تلویزویون را روی دندان بالا نگه می‌دارد و کارگر پیری که پایتخت بورکینافاسو، آنگولا و کامرون را می‌داند (شما نمی‌دانید؟ متأسفم)، قهرمان‌های نظام ارزش‌گذاری این روزگارند. این مسابقه اما

کودک کالایی و روایت نان آوران مدرن

عجوبه‌های دوران سرمایه‌داری



به رده‌سنی خاصی محدود نمی‌شود. همه، حتی کودکان هم محکوم به رقابت‌اند. کودکان عجیب و متفاوت و یا به بیان صدا و سیمایی «عجوبه‌ها»، همین که بتوانند کارهایی فراتر از سن‌شان انجام بدهند، سوزهای مناسبی برای سر زبان‌ها افتادن هستند.

مورد عجیب آرات حسینی

آرات حسینی نمونه شاخص این پدیده است. پسر ۶ ساله‌ای که امروز بیش از ۴ میلیون فالوور در اینستاگرام جذب کرده، از چند ماهگی تحت تمرین‌های فیزیکی پدر قرار گرفته است. حرکات خارق‌العاده‌ی او و ویدئوهای تعجب‌برانگیزش به ویژه پس از اجرای نمایش در برنامه‌ی استعدادیابی محمودزاده) برند «حامد همایون» را متعلق به خود می‌دانست. بی آنکه مشخص باشد آیا بدن ورزیده و شکم شش‌تکه‌ی او محصول برنامه‌ی فشرده پدر است یا چندماهگی است یا واقعا آرات یک نمونه نادر و متفاوت است.

صفحه آرات در اینستاگرام که سرعت رشد

کودک کالایی و روایت نان آوران مدرن

او کودکان دیگری چون آراد، آرشام، ارسلان، ارشیا، آلین، آدرینا و دست‌کم ده نمونه دیگر از کودکانی که با رویای آرات شدن، با انجام فعالیت‌های شاد، در اینستاگرام بازدیدهای چندهزارتایی داشته باشند؛ کودک یک‌ساله‌ای که هنوز زبان مادری را نیاموخته، درحال یادگیری زبان انگلیسی است، دخترخبه دوساله‌ای که بارفیکس می‌زند و پسر خردسال‌ی که پوزنه‌برداری می‌کند. با این تبصره که نگارنده، فعلاً از پرداختن به کودکان زحمتکش عرصه مدلیتگ و خانواده‌های آن‌ها در این پروژه صرف‌نظر کرده است.

در این دستور باید از پدیده‌های موسوم به «کودک کالایی» سخن به میان آورد: «کودکانی که کودکی‌شان به مثابه کالاها‌ی پرسودی، در بازار «شهرت» و «سرمایه» عرضه می‌شود». کودک‌کالایی در حقیقت بسته‌بندی تمیزی از کودکان‌آزاری است، با این تفاوت که به جای مشت و لگد و آزار جسمی، در ازای تحقق آرزوهای والدین، خوراکی‌های مقوی و نوازش نصیب کودک می‌شود. از این حیث، کودک‌کالایی اگر چه ظاهراً (با سرمایه گذار) را تکرار و محصولات و صفحات مشتری‌ها را با زبان کودکان‌اش تبلیغ می‌کند. آرات علاوه بر اینکه باید فشارهای جسمی و روانی ورزش حرفه‌ای و دوری از مادر را تحمل کند، امروز نان‌آور خانه شده و از این منظر واقعا کودک متفاوتی است! به هر روی مسائل نگران‌کننده‌تری نیز در میان است که تا کنون شفاف نشده است؛ اینکه آیا پدر آرات، برند «آرات» را به سرمایه‌گذارها فروخته است؟ اینکه آیا آرات بی آنکه بداند متعهد به قرارداد کاری شده است؟ آیا آرات هیچ‌گاه تحت تزریق یا مصرف مکمل‌های هورمونی قرار نگرفته است؟ اینکه آیا آرات می‌تواند در سال‌های آینده مختارانه زندگی‌اش را در مسیری متفاوت انتخاب کند؟ و در آخر اینکه اگر آرات، واقعا یک استعداد بلامنازع است، چرا هزینه‌های زندگی او و خانواده‌اش به جای تبلیغات اینستاگرامی از طریق اسپانسرهای معتبر تأمین نمی‌شود؟

مسأله نگارنده اما تنها آرات به ما هو آرات نیست. مسأله اساسی، شکل‌گیری جریانی است که به تقلید از او گریبان‌گیر کودکان ایرانی است. باید پذیرفت که این تجارت امتحان خودش را به خوبی پس داده و ترویج الگوی آراتی سبب شده که به جز

در این بازار مدرن کودکان گزینه‌های خوبی برای سرمایه‌گذاری‌اند. این در حالی است که متخصصان سلامت و روان کودک، فعالیت‌های تنش‌زا و سنگین را پیش از ده تا دوازده سالگی مجاز ندانسته و مواجهه با مقلوه‌پیروزی یا شکست را در این سنین مخاطره‌آمیز اعلام کرده‌اند. این خانواده‌ها که با وادار یا ترغیب کردن کودکان‌شان به کارهای عجیب و خارج از سن آن‌ها، درآمد و شهرت کسب می‌کنند، هر چند در پس نقاب دلسوزی و فداکاری پدرانه و مادرانه پنهان شده باشند، اما در حقیقت تاجران این تجارت جدیدند؛ چه حیثانه‌وارد این بازار شوم شده باشند و چه دلسوزانه؛ آنها خواه واقعا با انگیزه‌ی درآمدزایی و شهرت‌طلبی به میدان آمده باشند و خواه خالصانه خودشان را فدای موفقیت‌های آینده‌ی فرزندشان کنند، محصول یک چیز است: وادار کردن کودک به «متفاوت» بودن

و رقابت در چرخه تفاوت، شهرت و سرمایه؛ از این منظر تفاوتی میان خالکوبی‌های امیرحسین مقصدولو و شکم شش‌تکه‌ی آرات وجود ندارد.

محاسن نویسنده‌گی آنلاین بیشتر از معایب آن است



وی افزود: در اینجا ناشناسی هستند که دنبال ترویج بی‌حیایی و بی‌عفتی، و صرفا دنبال جیب خود اند. این را به خودم و ناشران دولتی و حوزه های دینی و ولایی، متذکر می‌شوم که شبیه به رمان «پناه» منتشر نشده بود. اما شروش با جرات این‌کتاب را چاپ کرده و اسم آن را هم رمان گذاشته است. بنده هم به‌عنوان کارشناس کتاب، از رمان‌بودن آن دفاع می‌کنم. باید ببینیم ناشرین هم‌سو می‌خواهند یا این کتاب چه کنند. می‌توانند همت کنند و تیراژ آن را به یک میلیون برسانند یا نه؟

وی در پاسخ به این‌سوال که برنامه‌ای برای دوام چاپ این‌نوع کتاب‌ها دارید، گفت: این‌کتاب به صورت خودجوش نوشته شده و بالا آمده است. اگر ما سبک زندگی ایرانی و اسلامی را در کار داشته باشیم، و اگر همه جنبه‌های زندگی قرآنی وجود داشته باشد، تاثیرگذارتر خواهد بود. ما بیشتر دنبال این‌نوع کار هستیم. عفاف، شیبه اصول دین است و حجاب فروغ دین است. یکی از تجلیات عفاف، ظاهر است و عفت، عفاف و حیا شبیه عقل است که اگر زائل شود، آدمی دست به هر کاری خواهد زد.

در بخش دیگری از این‌مراسم، میثم نیلی با بیان اینکه عفاف، هویت یک دختر مسلمان ایرانی‌است که هویت پناهگاه اوست، گفت: حتی اگر فرد بخواهد با شتاب هم از آن فرار کند، به او بر می‌گردد. این‌تفاوت کتاب «پناه» با دیگر کتاب‌هایی است که در این‌زمینه نوشته شده‌اند. یک بخش از «پناه» مربوط به هویت اوست که ریشه در خاک و زمین و محیط زندگی او و خانواده او دارد. بخش دیگر هم مربوط به محبتی است که از امام هشتم در دل اوست.

وی در ادامه گفت: ما نیازمند کتاب‌هایی هستیم که به بازگشت هویت گرّه خورده باشند. امروز در دنیا بن‌بست جریان مخالف آشکار شده اما در ایران زور رسانه و زور جریان روشنفکری این‌راه را ادامه می‌دهد. در نتیجه ما نیازمند این گونه کتاب‌ها هستیم، کتاب‌هایی که هویت بخش باشند. «پناه» هم مانند «من زنده‌ام» هویت‌بخش است.

آخرین سخنران این‌مراسم هم ششمشیری مدیرعامل شروش بود که گفت: در معرفی و ترویج این‌کتاب سعی کردیم همکاری هایی از جمله با صدا و سیما داشته باشیم. همچنین نسخه الکترونیک آن، در نرم‌افزارهای کتابخوان عرضه شده است. وی همچنین از تولید نمایش رادیویی این اثر خبر داد و گفت: امیدواریم این‌نوع کارها ادامه داشته باشد و آمادگی این را داریم که کار ادامه پیدا کند.

ششمشیری در پاسخ به این‌سوال که انتشارات شروش برنامه‌ای برای چاپ رمان‌ها روز نورث دارد، گفت: انتشار رمان به‌شکل وبلاگ و قطعه‌قطعه در حوزه نوشت، کار سابقه دارد و خود نویسنده در می‌دهد. در نتیجه ما نیازمند این گونه کتاب‌ها هستیم، کتاب‌هایی که هویت بخش باشند. «پناه» هم مانند «من زنده‌ام» هویت‌بخش است. آخرین سخنران این‌مراسم هم ششمشیری مدیرعامل شروش بود که گفت: در معرفی و ترویج این‌کتاب سعی کردیم همکاری هایی از جمله با صدا و سیما داشته باشیم. همچنین نسخه الکترونیک آن، در نرم‌افزارهای کتابخوان عرضه شده است. وی همچنین از تولید نمایش رادیویی این اثر خبر داد و گفت: امیدواریم این‌نوع کارها ادامه داشته باشد و آمادگی این را داریم که کار ادامه پیدا کند.

ششمشیری در پاسخ به این‌سوال که انتشارات شروش برنامه‌ای برای چاپ رمان‌ها روز نورث دارد، گفت: انتشار رمان به‌شکل وبلاگ و قطعه‌قطعه در حوزه نوشت، کار سابقه دارد و خود نویسنده در می‌دهد. در نتیجه ما نیازمند این گونه کتاب‌ها هستیم، کتاب‌هایی که هویت بخش باشند. «پناه» هم مانند «من زنده‌ام» هویت‌بخش است. آخرین سخنران این‌مراسم هم ششمشیری مدیرعامل شروش بود که گفت: در معرفی و ترویج این‌کتاب سعی کردیم همکاری هایی از جمله با صدا و سیما داشته باشیم. همچنین نسخه الکترونیک آن، در نرم‌افزارهای کتابخوان عرضه و سپس به‌صورت مکتوب منتشر می‌کند.

اخبار

کشف راه‌های ابتکاری برای رونمایی کتاب‌ها در دوران کرونا

نویسنده‌ها که به خاطر پاندمی کووید ۱۹- نمی‌توانند در کتاب‌فروشی‌ها رخدادهای حضوری برگزار کنند، دارند

در زمینه راه‌های رونمایی و معرفی کتاب‌های‌شان خلاقانه‌تر و گروهی‌تر برخورد می‌کنند. برای رونمایی نخستین رمان ملاتی کاترو- گلدمن که «دنیای محتمل» نام دارد و توسط «رد هن» منتشر می‌شود، راه‌حل نوآورانه برای مراسم رونمایی کتاب حضور مدعوین با اتومبیل انتخاب شده است. احتمالاً باید این نخستین رونمایی کتاب به شکل ورود با خودرو باشد.

این برنامه قرار است چهارم آگوست در سالن ورود با خودرو فینگرلیکس واقع در آبرن نیویورک سیتی برگزار شود. آنجا کاترو- گلدمن گفت‌وگویی با باب پرول نویسنده خواهد داشت و کتاب‌گویی با باب پرول نویسنده خواهد داشت دریافت کنند و فیلم سال ۱۹۸۹ «چیزی بگو» را هم تماشا کنند.

کاترو- گلدمن می‌گوید: من ۴۸ سال تمام نوشتن این رمان کردم و کووید ۱۹- برنامه‌های من برای رونمایی آن را نابود کرد. در برنامه تور من ۱۰ توقف مجازی وجود دارد که خوشحالم می‌توانم چنین کاری بکنم اما می‌خواستم تولد کتاب را با تمام افرادی جشن بگیرم که در به دنیا آوردن آن به من کمک کردند و چنین چیزی بدون داشتن فعل‌وانفعال حضوری امن ممکن نبود.

او اضافه کرد: این رخداد فرصتی فوق‌العاده برای انجام دادن این کار است. ژانر داستانی همیشه درباره واقعیت‌های جاگیرین و اتفاق‌های ممکن است. حالا اینجا در تابستانی هستیم که هرگز پیش‌بینی آن را نمی‌کردیم. پس کمی از آن لذت ببریم؟

این نویسنده امیدوار است فروش کتاب را از طریق وبسایت انجام دهد. وی چند انتخاب هم برای امضای کتاب در نظر دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به این اشاره کرد که شرکت‌کنندگان حاضر با ماشین در مراسم رونمایی، راهنما بزنند و نشان بدهند که می‌خواهند کمی کتاب‌شان امضا شود. این رخداد رایگان در رسانه‌های اجتماعی با هشتگ «پارک‌کنید و بخوانید» تبلیغ می‌شود.

برای دانیل سیلوا نویسنده کارکشته ژانر تریلر، تبلیغ کردن برای کتاب جدیدش با عنوان «نظم» از هارپرکالینز به این معنی بوده که یک تور مجازی گسترده راه بیندازد. او با ۱۸ کتابفروشی مستقل شریک شده تا مراسم رونمایی کتابش را روز چهاردهم جولای به صورت لایو استریم کنند. در این مراسم نویسنده یک تور مجازی از فضای به مخاطبان ارایه می‌دهد که در آن می‌نویسد و بعد یک مصاحبه مجازی با جیمی گنگل از سی‌ان‌ان خواهد داشت و به سوال‌های مخاطبان پاسخ می‌دهد.

مراسم رونمایی از کتاب سیلوا تنها یکی از ۴۰ مراسم مجازی است که کتاب‌فروشی «پوبزوند پن» در ماه جولای برگزار می‌کند. باربارا پیترز مالک این کتاب‌فروشی گفت با وجود اینکه این مغازه دو سال است رخدادهای بزرگ را لایو استریم می‌کند، انجام دادن آن‌ها در این مقیاس که امروز مد نظر است، نیازمند کمی یادگیری بود.

او گفت: هر روز ما داریم چیزهای جدید یاد می‌گیریم و از فرصت‌های جدید استقبال می‌کنیم.

تفاوت دو مفهوم «صحرا» و «برهوت»؛ آشوری درست می‌گوید یا اسدی

پرشن دومین چاپ ترجمه منوچهر اسدی از «چنین گفت زرتشت» نیچه را با شمارگان دو هزار نسخه، ۴۸۸ صفحه و بهای ۵۵ هزار تومان منتشر کرد. چاپ نخست این ترجمه سال ۹۳ با شمارگان دو هزار نسخه منتشر شده بود.

این کتاب مهم‌ترین و شناخته شده‌ترین اثر نیچه است و حاوی نظریاتی چون «برانسان»، «مرگ خدا» و «بازگشت جاودانه». از این کتاب برداشت‌های گوناگون و بحث‌ناقضی هم شده و بسیاری در تفسیر و شرح آن کشیده‌اند. روایت این اثر داریم که زرتشت پس از ۱۰ سال عزلت در کوه‌های آلپ احساس می‌کند که می‌خواهد شهد خرد خویش را به انسان‌ها ببشاند، پس به شهر فرود می‌آید؛ اما مردم به صدای برخاسته از این گوش نمی‌دند.

مشهورترین ترجمه این کتاب از آن داریوش آشوری است که توسط نشر آگه در دسترس مخاطبان قرار می‌گیرد. این ترجمه تاکنون ۴۲ نوبت چاپ را پشت سر گذاشته‌اند. «چنین گفت زرتشت» همچنین با ترجمه‌هایی از مسعود انصاری، قلی خیاط، آناهیت روحانی، رحیم غلامی، فهیمه رحمتی و مهرداد یوسفی نیز به فارسی منتشر شده است.

یکی از مشهورترین ترجمه نسبت به ترجمه داریوش آشوری این است که مترجم واژه «die wüste» در بخش چهارم کتاب را به «صحرا» تبدیل و او بر کسی که چنین را در دل خود نهان دارد.» با این‌وصاف اما معمولاً ترجمه‌های اسدی بزبانه‌های ما ابتدا به‌صورت الکترونیک در نرم‌افزارهای کتابخوان عرضه و سپس به‌صورت مکتوب منتشر می‌کند.